



The Role of Peace Courts as a Novel Institution in Reducing the Burden on the Judicial System: A Comparative Study of Successful International Models

Mohammadreza Dargahi¹ | Nasrallah Jafari Khosrowabadi²

1 PhD Graduate, Private Law Group, Faculty of Theology and Islamic Studies, Meybod University, Yazd, Iran, (Corresponding author), mdargahi@live.com

2. Associate Professor, Private Law Group, Faculty of Theology and Islamic Studies, Meybod University, Yazd, Iran, nasrjafari@meybod.ac.ir

Article Info

Article type:

Scientific

Received:

2024/12/18

Received in revised form:

2025/01/28

Accepted:

2025/02/12

Keywords:

Peace Courts, Judicial System, Dispute Resolution, Comparative Study, Judicial Reforms.

Abstract

In recent decades, the rising number of legal cases and resource constraints have placed a heavy burden on the judicial systems of many countries. Given the increasing caseload and the need for judicial efficiency, peace courts have emerged as an effective mechanism within global legal systems to resolve disputes and reduce the influx of cases into the formal judiciary. The significance of this research lies in its comprehensive examination of the role of peace courts in alleviating the judicial burden, identifying key success factors, and proposing practical solutions. The primary objective of this study is not to evaluate the newly established peace courts in Iran's legal system or critique the recent Law on Dispute Resolution Councils. Instead, it aims to provide an in-depth analysis of the functioning of peace courts, identify successful international models, and assess their potential implementation in Iran. This article first elaborates on the performance of peace courts and their impact on reducing caseloads. It then conducts a comparative study of several successful examples from leading countries, analyzing and contrasting their key features and success factors. Subsequently, the main challenges of implementing peace courts in Iran are identified, along with proposed solutions to overcome these obstacles. The findings of this research indicate that, if properly implemented, peace courts can play a significant role in reducing the burden on the judicial system. Key characteristics of successful models include procedural flexibility, expedited dispute resolution, and active participation of the parties involved. However, certain challenges remain. In conclusion, this study provides practical recommendations for policymakers and judicial authorities to enhance the effectiveness of peace courts. The results can inform the design and reform of judicial policies, optimizing dispute resolution processes and contributing to greater efficiency and access to justice in society.

How To Cite

Dargahi, Mohammadreza, Jafari Khosrowabadi, Nasrallah. (2025). The Role of Peace Courts as a Novel Institution in Reducing the Burden on the Judicial System: A Comparative Study of Successful International Models. *Journal of Judgment*, 121(1), 131-156. <http://doi.org/10.22034/judg.2025.2048415.1360>

DOI

[10.22034/judg.2025.2048415.1360](http://doi.org/10.22034/judg.2025.2048415.1360)

Publisher

Publications of the Judiciary of Tehran Province



نقش دادگاه‌های صلح به عنوان یک نهاد مستحدثه در کاهش بار سیستم قضایی: مطالعه تطبیقی نمونه‌های موفق بین‌المللی

محمدرضا درگاهی^۱ | نصراله جعفری خسروآبادی^۲

۱. دانش‌آموخته دکتری گروه حقوق خصوصی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه میبد، یزد، ایران، (نویسنده مسئول)، رایانامه: mdargahi@live.com

۲. دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه میبد، یزد، ایران، رایانامه: nasrjafari@meybod.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
---------------	-------

در دهه‌های اخیر افزایش پرونده‌های قضایی و محدودیت‌های منابع بار سنگینی بر دوش سیستم‌های قضایی کشورها گذاشته بود. با توجه به افزایش روزافزون پرونده‌ها و لزوم کارآمدسازی نظام عدالت، دادگاه‌های صلح به عنوان یک نهاد در سیستم‌های حقوقی جهانی، راهکاری مؤثر در حل اختلافات و کاهش ورودی پرونده‌ها به دستگاه قضایی مطرح شده بود. اهمیت این پژوهش در بررسی جامع نقش دادگاه‌های صلح در کاهش بار سیستم قضایی، شناسایی عوامل کلیدی موفقیت و ارائه راهکارهای عملی نهفته است. هدف اصلی این پژوهش بررسی نهاد دادگاه صلح اخیر التأسیس در نظام حقوقی ایران و نقد و بررسی قانون جدید شوراهای حل اختلاف نیست، بلکه هدف اصلی این پژوهش تحلیل جامع عملکرد دادگاه‌های صلح و شناسایی الگوهای موفق بین‌المللی و امکان پیاده‌سازی آن در ایران است. در این مقاله ابتدا عملکرد دادگاه‌های صلح و تأثیر آنها بر کاهش حجم پرونده‌ها تشریح شده، سپس با مطالعه تطبیقی چند نمونه موفق از کشورهای پیشرو، ویژگی‌ها و عوامل کلیدی موفقیت این نمونه‌ها بررسی و مقایسه شده است. در ادامه، چالش‌های اصلی پیاده‌سازی دادگاه‌های صلح در ایران شناسایی و راهکارهایی برای غلبه بر این موانع ارائه شد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که دادگاه‌های صلح در صورت اجرای صحیح، می‌توانند نقش مؤثری در کاهش بار سیستم قضایی ایفا کنند. عواملی چون انعطاف‌پذیری در رسیدگی، سرعت در حل و فصل اختلافات و مشارکت فعال طرفین در فرایند از جمله ویژگی‌های کلیدی نمونه‌های موفق بودند. با این حال، چالش‌هایی نیز وجود دارند. در پایان، این مقاله با ارائه پیشنهادهایی برای بهبود دادگاه‌های صلح، راهکارهایی عملی برای سیاست‌گذاران و مسئولان قضایی ارائه داد. نتایج این پژوهش می‌تواند در طراحی و اصلاح سیاست‌های قضایی و بهینه‌سازی فرایندهای حل و فصل اختلافات مورد استفاده قرار گیرد و گامی مؤثر در جهت ارتقای کارآمدی و دسترسی به عدالت در جامعه باشد.

نوع مقاله: علمی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۹/۲۸

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۳/۱۱/۰۹

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۱۱/۲۴

کلیدواژه:

دادگاه‌های صلح، سیستم قضایی، حل و فصل اختلافات، مطالعه تطبیقی، اصلاحات قضایی.

درگاهی، محمدرضا، جعفری خسروآبادی، نصراله. (۱۴۰۴). نقش دادگاه‌های صلح به عنوان یک نهاد مستحدثه در کاهش بار سیستم قضایی: مطالعه تطبیقی نمونه‌های موفق بین‌المللی، فصلنامه قضاوت، ۱۳۱(۱)، ۱۵۶-۱۳۱.

<http://doi.org/10.22034/judg.2025.2048415.1360>

[10.22034/judg.2025.2048415.1360](https://doi.org/10.22034/judg.2025.2048415.1360)



انتشارات دادگستری کل استان تهران

ناشر

DOI

مقدمه

در عصر حاضر با پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی و افزایش تعاملات حقوقی میان افراد و نهادها، سیستم‌های قضایی در سراسر جهان با چالش‌های متعددی روبه‌رو شده‌اند. افزایش حجم پرونده‌های ورودی به دادگاه‌ها، طولانی شدن فرایند رسیدگی و هزینه‌های فزاینده دادرسی، از جمله مسائلی هستند که کارآمدی و اثربخشی نظام‌های عدالت را تحت تأثیر قرار داده‌اند. در این میان، جست‌وجو برای یافتن راهکارهایی نوآورانه و کارآمد جهت کاهش بار سیستم قضایی و بهبود دسترسی شهروندان به عدالت، به یکی از اولویت‌های اصلی سیاست‌گذاران و متخصصان حقوقی تبدیل شده است.

یکی از نهادهای مستحدثه که در دهه‌های اخیر توجه بسیاری را به خود جلب کرده، ایجاد و توسعه دادگاه‌های صلح است. این نهادها که در کشورهای مختلف با عناوین متفاوتی چون «دادگاه‌های محلی»، «دادگاه‌های کوچک» یا «دادگاه‌های مردمی» شناخته می‌شوند، با هدف حل و فصل سریع و کم‌هزینه اختلافات کوچک و متوسط طراحی شده‌اند. اما آنچه دادگاه‌های صلح را از سایر نهادهای قضایی متمایز می‌سازد، تأکید بر رویکردهای مشارکتی، میانجی‌گری و تلاش برای حفظ روابط اجتماعی طرفین دعواست.

اهمیت بررسی نقش دادگاه‌های صلح در کاهش بار سیستم قضایی از چند جنبه قابل توجه است. نخست، با توجه به محدودیت منابع و ظرفیت‌های دستگاه قضایی در بیشتر کشورها، یافتن راهکارهایی برای کاهش حجم پرونده‌های ورودی به دادگاه‌های رسمی امری حیاتی به نظر می‌رسد. دوم، تجربه‌های کشورهایی که موفق به پیاده‌سازی مؤثر دادگاه‌های صلح شده‌اند، نشان می‌دهد که این نهادها می‌توانند علاوه بر کاهش بار سیستم قضایی، به افزایش رضایتمندی شهروندان از فرایند حل و فصل اختلافات نیز کمک کنند. سوم، در عصری که گفتمان «عدالت ترمیمی» و «حل مسئله محور اختلافات» رو به گسترش است، دادگاه‌های صلح می‌توانند به‌عنوان پلی میان رویکردهای سنتی و نوین در اجرای عدالت عمل کنند. با این حال، علی‌رغم پتانسیل‌های قابل توجه دادگاه‌های صلح، پیاده‌سازی و توسعه موفق این نهادها با چالش‌ها و پیچیدگی‌های خاص خود همراه است که در نظام حقوقی ایران با توجه ویژگی‌های خاص ساختاری و فرهنگی خود، این چالش‌ها نمود بیشتری پیدا می‌کند. تفاوت‌های فرهنگی، ساختارهای حقوقی متفاوت و مقاومت‌های احتمالی از سوی برخی ذی‌نفعان، از جمله عواملی هستند که می‌توانند بر موفقیت یا شکست این طرح تأثیرگذار باشند. از این رو، مطالعه تطبیقی نمونه‌های موفق دادگاه‌های صلح در سطح بین‌المللی می‌تواند بینش‌های ارزشمندی را برای سیاست‌گذاران و متخصصان حقوقی فراهم آورد. در این راستا، پژوهش حاضر بدون بررسی دادگاه صلح فعلی تأسیس شده در نظام

حقوقی ایران در راستای قانون جدید شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲، با هدف بررسی جامع نقش دادگاه‌های صلح در کاهش بار سیستم قضایی و مقایسه بین‌المللی نمونه‌های موفق این نهاد انجام شده است. این مطالعه ضمن پرداختن به مبانی نظری و فلسفی دادگاه‌های صلح، به تحلیل عملکرد این نهادها در کشورهای مختلف می‌پردازد و تلاش می‌کند تا با شناسایی عوامل کلیدی موفقیت و چالش‌های پیش رو، راهکارهایی عملی برای توسعه و بهبود این نهاد ارائه دهد.

یکی از نکات قابل توجه در زمینه دادگاه‌های صلح، تنوع مدل‌های اجرایی آن در کشورهای مختلف است. برای مثال، در برخی کشورها مانند ژاپن، دادگاه‌های صلح با تأکید بر میانجی‌گری و مصالحه عمل می‌کنند، در حالی که در کشورهای چون فرانسه، این دادگاه‌ها اختیارات قضایی گسترده‌تری دارند. بررسی این تفاوت‌ها و تحلیل نقاط قوت و ضعف هر رویکرد، می‌تواند به درک بهتر از پتانسیل‌های دادگاه‌های صلح و نحوه بهینه‌سازی عملکرد آنها کمک کند. علاوه بر این، توجه به ابعاد فرهنگی و اجتماعی در پیاده‌سازی دادگاه‌های صلح از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تجربه نشان داده که موفقیت این نهادها تا حد زیادی به پذیرش اجتماعی و مشارکت فعال شهروندان بستگی دارد. از این رو، این پژوهش تلاش می‌کند تا علاوه بر جنبه‌های حقوقی و ساختاری، به بررسی راهکارهای افزایش مشروعیت و مقبولیت دادگاه‌های صلح در جوامع مختلف نیز بپردازد. همچنین این مطالعه به بررسی تأثیرات اقتصادی دادگاه‌های صلح می‌پردازد. با توجه به هزینه‌های بالای دادرسی در دادگاه‌های رسمی، تحلیل صرفه‌جویی‌های اقتصادی حاصل از پیاده‌سازی دادگاه‌های صلح می‌تواند استدلال‌های قوی‌تری را برای توسعه این نهادها فراهم آورد. این بخش از پژوهش با استفاده از داده‌های آماری و تحلیل‌های اقتصادی، به ارزیابی کمی تأثیر دادگاه‌های صلح بر کاهش هزینه‌های سیستم قضایی می‌پردازد. این مقاله علاوه بر بررسی چالش‌هایی چون مقاومت‌های فرهنگی و حقوقی و کمبود منابع، به تحلیل راهکارهای نوین برای افزایش مشروعیت و اثربخشی دادگاه‌های صلح می‌پردازد.

از دیگر جنبه‌های برجسته این پژوهش، مطالعه تأثیرات اقتصادی و اجتماعی دادگاه‌های صلح، بررسی نمونه‌های موفق کشورهای نظیر ژاپن، فرانسه و ایتالیا است. در نهایت، این مقاله با ارائه یک چارچوب جامع برای ارزیابی عملکرد دادگاه‌های صلح، تلاش می‌کند تا ابزاری کاربردی برای سیاست‌گذاران و مدیران قضایی فراهم آورد. این چارچوب که بر اساس تجربیات بین‌المللی و یافته‌های پژوهشی طراحی شده، شامل شاخص‌هایی برای سنجش کارایی، اثربخشی و میزان رضایتمندی کاربران از خدمات دادگاه‌های صلح است.

با وجود اهمیت بنیادین دادگاه‌های صلح در نظام حقوقی و تأثیر شگرف آنها در حل و فصل منازعات، تحقیقات جامع و تطبیقی در این زمینه مشاهده نشد. تا زمان نگارش این مقاله، تنها تعداد

معدودی پژوهش به بررسی نقد و تحلیل صلاحیت‌های دادگاه صلح پرداخته^۱ و مطالعه تطبیقی کاملی یافت نشده است. این نوشتار با نگرشی نوآورانه و رویکردی تطبیقی، تلاشی است برای پرکردن این خلأ علمی و گشودن افق‌های جدید در فهم عمیق‌تر ساختار و کارکرد دادگاه‌های صلح. با توجه به گستردگی موضوع و اهمیت آن در بهبود کارآمدی سیستم‌های قضایی، این پژوهش در پنج بخش اصلی سازماندهی شده است. پس از این مقدمه، در بخش اول به بررسی دقیق نقش دادگاه‌های صلح در کاهش بار سیستم قضایی پرداخته می‌شود. بخش دوم به مقایسه بین‌المللی نمونه‌های موفق دادگاه‌های صلح اختصاص دارد. در بخش سوم چالش‌ها و موانع پیش روی دادگاه‌های صلح مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت به ارائه نتیجه‌گیری و پیشنهادها می‌پردازد.

۱. بررسی نقش دادگاه‌های صلح در کاهش بار سیستم قضایی

دادگاه‌های صلح^۲ به عنوان یکی از ابزارهای مؤثر در کاهش بار سیستم قضایی، در دهه‌های اخیر مورد توجه جدی قرار گرفته‌اند. این نهادها با هدف تسهیل و تسریع فرایند حل و فصل اختلافات کوچک و متوسط ایجاد شده و نقش مهمی در بهبود کارایی سیستم‌های قضایی ایفا می‌کنند. در این بخش به بررسی چگونگی عملکرد دادگاه‌های صلح، تأثیر آنها بر کاهش حجم پرونده‌های وارده به دادگستری و مزایای استفاده از این دادگاه‌ها برای سیستم قضایی پرداخته می‌شود.

۱-۱. چگونگی عملکرد دادگاه‌های صلح

در کشورهای جهان دادگاه‌های صلح، همان‌گونه که در ادامه خواهد آمد، نام‌های مختلفی دارند. ما در این نوشتار برای تقریب به ذهن، از اصطلاح «دادگاه صلح» استفاده می‌نماییم و در مقابل آن، از اصطلاح «دادگاه‌های رسمی»^۳ استفاده خواهد شد؛ اما چیزی که در تمامی این نوع دادگاه‌ها (علی‌رغم تفاوت در برخی ساختارها و نحوه رسیدگی و شمول موضوعات) تقریباً یکسان است، این است که عملکرد دادگاه‌های صلح معمولاً به نحوی طراحی شده که بتواند فرایند دادرسی را ساده‌تر و سریع‌تر از دادگاه‌های رسمی انجام دهد. از جمله تفاوت این دادگاه‌ها با دادگاه‌های عمومی که نقطه تمایز مهم برای تشخیص دادگاه‌های به اصطلاح صلح از سایر نهادهای قضایی به

۱. رک: کاویار، حسین، امینی، مهدی (۱۴۰۳)، صلاحیت دادگاه صلح در قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۲۹(۱۰۶)، ۱۳۴-۱۰۵؛ فتحی، بدیع (۱۴۰۳)، نقد و تحلیل صلاحیت‌های دادگاه صلح، پژوهش حقوق خصوصی، ۱۲(۴۷).

2. Justice of the Peace Court

3. Courts of General Jurisdiction

شمار می‌رود، استفاده از فرد «غیرقضایی» ولی آموزش دیده برای تصدی شعب دادگاه صلح است. باید گفت که عموماً دادگاه‌های صلح در کشورهای مورد بررسی، اگرچه جزئی از سیستم قضایی کشور است، اما زیرمجموعه دادگاه‌های رسمی قرار نگرفته و توسط یک نهاد مستقل در سیستم قضایی کشور اداره می‌شود و نمی‌توان از آن با اصطلاح "court" به معنای خاص کلمه استفاده کرد و اگر با عنوان دادگاه از آن یاد می‌شود، دادگاه به معنای عام کلمه مدنظر است نه محل رسمی که توسط مقامات قضایی اداره و رسیدگی می‌گردد. برای نمونه، در انگلستان دادگاه‌های صلح در انگلستان و ولز به عنوان "Magistrates' Courts" شناخته می‌شوند. این دادگاه‌ها بخشی از سیستم قضایی هستند و زیر نظر دادگاه‌های تاج^۱ فعالیت می‌کنند. وظایف این دادگاه‌ها رسیدگی به جرایم کیفری جزئی و برخی دعاوی مدنی مانند بدهی‌های کوچک معمولاً توسط قضات غیر حرفه‌ای^۲ که داوطلبانه فعالیت می‌کنند، اداره می‌شوند (Judiciary UK, n.d.).

این دادگاه‌ها در سیستم‌های حقوقی دنیا عموماً به پرونده‌هایی رسیدگی می‌کنند که از لحاظ مالی و پیچیدگی در سطح پایین تری قرار دارند. برای مثال، دعاوی کوچک مالی، اختلافات مربوط به قراردادهای غیررسمی، مشکلات خانوادگی جزئی و دعاوی مرتبط با تخلفات مدنی از جمله مواردی هستند که در این دادگاه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند. یکی از ویژگی‌های مهم دادگاه‌های صلح تأکید بر میانجی‌گری و دستیابی به توافق میان طرفین است. این رویکرد نه تنها به کاهش زمان دادرسی کمک می‌کند، بلکه به حفظ روابط اجتماعی میان طرفین نیز کمک می‌کند (Cappelletti, 2019: 45). دادگاه‌های صلح در ایران بر اساس قانون جدید شوراهای حل اختلاف تشکیل می‌شود. این دادگاه‌ها وظیفه دارند تا به دعاوی مالی تا نصاب مشخص، دعاوی حقوقی تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق، دعاوی مربوط به جهیزیه، مهریه و نفقه تا نصاب مشخص، دعاوی تخلیه عین مستأجره و تعدیل اجاره‌بها، اعسار از پرداخت محکوم‌به در موارد معین و سایر دعاوی مشابه رسیدگی کنند (بلوری، ۱۴۰۲: ۴۵). این دادگاه‌ها در ابتدا با هدف تسریع در روند رسیدگی و جلوگیری از اطاله دادرسی تشکیل شده‌اند و می‌توانند در ساعات غیراداری و روزهای تعطیل نیز تشکیل جلسه دهند (شفیعی، ۱۴۰۲: ۳۲) که از نظر نگارنده، نواقص متعددی دارند که نیازمند اصلاحات اساسی است، ولی همان‌گونه که یاد شد، ما در این نوشتار در پی بررسی نهاد تازه تأسیس دادگاه صلح در ایران و بررسی نواقص و نقد آن نیستیم چه اینکه این موضوع مجال دیگری را می‌طلبد که به یاری خدا در پژوهش دیگر بحث و بررسی خواهد شد.^۳

1. Crown Courts

2. Lay Magistrates

۳. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: فتحی، بدیع (۱۴۰۳)، نقد و تحلیل صلاحیت‌های دادگاه صلح، پژوهش حقوق خصوصی، ۱۲ (۴۷).

یکی از ویژگی‌های مهم دادگاه‌های صلح در برخی کشورهای جهان قطعی بودن آرای صادره از این دادگاه‌ها تا میزان مشخص است. این بدین معناست که رسیدگی در دادگاه صلح یک مرحله‌ای است و با سرعت بیشتری پیش می‌رود. این ویژگی علی‌رغم چالش‌هایی که ممکن است در پی داشته باشد، اگر به نحو صحیح اجرا گردد، عموماً باعث می‌شود که رضایت عمومی مردم افزایش یابد و از حجم پرونده‌های ورودی به دادگاه‌های عمومی کاسته شود.

دادگاه‌های صلح همچنین نقش مهمی در حصول صلح و سازش بین طرفین دعوا دارند. این دادگاه‌ها تلاش می‌کنند تا با استفاده از روش‌های میانجی‌گری و مذاکره، اختلافات را دوستانه حل و فصل کنند. این روش‌ها نه تنها باعث کاهش بار قضایی می‌شود، بلکه به حفظ روابط اجتماعی و خانوادگی نیز کمک می‌کند (بلوری، ۱۴۰۲: ۵۰).

تأثیر دادگاه‌های صلح بر کاهش پرونده‌های وارده به دادگستری از دیگر جنبه‌های مهم این نهادهاست. در بسیاری از کشورها افزایش تعداد پرونده‌های قضایی منجر به طولانی شدن فرایند دادرسی و افزایش فشار بر دادگاه‌های رسمی شده است. دادگاه‌های صلح با رسیدگی به پرونده‌های کوچک‌تر، از یک سو فشار بر دادگاه‌های عمومی را کاهش می‌دهند و از سوی دیگر به شهروندان این امکان را می‌دهند که سریع‌تر به عدالت دست یابند. برای مثال، در کشورهایی مانند ایالات متحده و انگلستان، دادگاه‌های صلح توانسته‌اند به‌طور مؤثری حجم پرونده‌های ورودی به دادگاه‌های عمومی را کاهش دهند و از این طریق به بهبود کارایی سیستم قضایی کمک کنند (Galanter, 1974: 103). البته این مسئله منوط به این است که همان‌گونه که در دادگاه‌های صلح سراسر دنیا جاری است، از یک فرد غیرقضایی آموزش دیده به‌عنوان مقام رسیدگی‌کننده در این دادگاه‌ها استفاده شود تا ضمن کاهش حجم پرونده‌های محاکم، قضات رسمی بتوانند با فراغ بال بیشتر به پرونده‌های مهم رسیدگی نمایند.

۱-۲. مزایای استفاده از دادگاه‌های صلح مطابق نمونه‌های موفق بین‌المللی

یکی از مهم‌ترین مزایای استفاده از دادگاه‌های صلح در عموم کشورهای جهان کاهش هزینه‌های دادرسی است. فرایند رسیدگی در این دادگاه‌ها معمولاً نیازمند تشریفات کمتری است و هزینه‌های مرتبط با آن نیز کمتر از دادگاه‌های رسمی است. این کاهش هزینه‌ها به‌ویژه برای افرادی که توان مالی محدودی دارند، بسیار حائز اهمیت است. به‌علاوه، کاهش نیاز به حضور وکیل و سادگی رویه‌ها این امکان را فراهم می‌آورد که افراد بیشتری بتوانند از خدمات قضایی بهره‌مند شوند. این امر به‌ویژه در کشورهایی که دسترسی به عدالت برای تمامی اقشار جامعه یک چالش بزرگ است، اهمیت زیادی دارد (Bone, 2003: 89).

علاوه بر کاهش هزینه‌ها، دادگاه‌های صلح به دلیل رویه‌های ساده و غیررسمی خود، به تسریع در فرایند دادرسی نیز کمک می‌کنند. در حالی که رسیدگی به یک پرونده در دادگاه‌های رسمی ممکن است ماه‌ها یا حتی سال‌ها به طول انجامد، دادگاه‌های صلح قادرند در مدت زمان کوتاه‌تری به نتیجه برسند. نمونه آن دادگاه صلح ژاپن است که در مباحث آینده به بررسی آن خواهیم پرداخت. این سرعت در دادرسی به کاهش فشار روانی و مالی بر طرفین دعوا منجر می‌شود و از طولانی شدن روند دادرسی جلوگیری می‌کند (Hensler, 2003: 172).

مزایای دیگر دادگاه‌های صلح شامل افزایش رضایت عمومی از سیستم قضایی است. با کاهش زمان انتظار و هزینه‌های دادرسی، اعتماد عمومی به سیستم عدالت افزایش می‌یابد. این امر به نوبه خود می‌تواند به تقویت مشروعیت نظام قضایی منجر شود. به علاوه، دادگاه‌های صلح با ارائه خدماتی که به نیازهای خاص افراد پاسخ می‌دهد، به نوعی عدالت اجتماعی نیز دست می‌یابند. این نوع عدالت که بر مبنای دسترسی برابر به خدمات قضایی است، به ویژه در جوامعی که نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی وجود دارد، اهمیت زیادی دارد (Galanter, 1974: 105).

یکی دیگر از جنبه‌های مهم عملکرد دادگاه‌های صلح تأثیر آنها بر کاهش تراکم پرونده‌ها در دادگاه‌های رسمی است. دادگاه‌های رسمی در بسیاری از کشورها با حجم بالایی از پرونده‌ها روبه‌رو هستند که این امر به تأخیر در دادرسی و کاهش کیفیت تصمیم‌گیری قضات منجر می‌شود. دادگاه‌های صلح که توسط قضات غیرقضایی رسیدگی می‌گردد، با رسیدگی به پرونده‌های جزئی، بار قابل توجهی از دوش دادگاه‌های رسمی برمی‌دارند و به آنها اجازه می‌دهند تا بر پرونده‌های مهم‌تر و پیچیده‌تر تمرکز کنند (Cappelletti & Garth, 2019: 47).

در نهایت می‌توان گفت که دادگاه‌های صلح به عنوان یک نهاد قضایی مکمل، نقش مهمی در بهبود کارایی سیستم قضایی و افزایش دسترسی به عدالت ایفا می‌کنند. این نهادها با کاهش هزینه‌ها، تسریع در دادرسی و کاهش بار دادگاه‌های رسمی، به تحقق عدالت برای همه افراد جامعه کمک می‌کنند. با این حال، برای بهره‌برداری کامل از ظرفیت‌های دادگاه‌های صلح لازم است که این نهادها به طور مناسب در سیستم قضایی کشورها ادغام شوند و حمایت‌های لازم از سوی دولت و جامعه از آنها صورت گیرد.

در این زمینه مطالعه نمونه‌های موفق دادگاه‌های صلح در کشورهای مختلف و تطبیق آنها با نیازها و شرایط خاص هر کشور می‌تواند به توسعه و بهبود این نهادها کمک کند. استفاده از تجربیات بین‌المللی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین از جمله راهکارهایی است که می‌تواند به ارتقای کارایی دادگاه‌های صلح و افزایش تأثیر آنها بر کاهش بار سیستم قضایی منجر شود. در انتها باید گفت که مزایای یاد شده تنها در صورت اجرای صحیح دادگاه‌های صلح و

پیاپی سازی دقیق آن بر اساس نمونه‌های موفق بین‌المللی با در نظر گرفتن شرایط جامعه، قابل فرض است و گر نه اجرای ناصحیح آن چیزی بجز بی‌نظمی قضایی را به دنبال نخواهد داشت.

۲. مقایسه بین‌المللی مدل‌های موفق دادگاه‌های صلح

برای درک جامع از پتانسیل دادگاه‌های صلح و چگونگی تطبیق آنها با نیازهای مختلف جوامع، ضروری است به بررسی تطبیقی نمونه‌های موفق در سطح بین‌المللی پرداخته شود. این بخش از پژوهش با هدف شناسایی و تحلیل الگوهای موفق دادگاه‌های صلح در کشورهای مختلف و استخراج عوامل کلیدی مؤثر در موفقیت آنها انجام شده است. با مقایسه تطبیقی این مدل‌ها می‌توان به درک عمیق‌تری از چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی دادگاه‌های صلح دست یافت و در نهایت، راهکارهای عملی برای بهبود و توسعه آنها در سطح ملی ارائه نمود.

۲-۱. معرفی و تحلیل چند نمونه موفق دادگاه‌های صلح در کشورهای مختلف

در این بخش با بررسی ساختار، صلاحیت‌ها، روش‌های رسیدگی و چالش‌های دادگاه‌های صلح در سه کشور فرانسه، ایتالیا و ژاپن، به دنبال شناسایی الگوهای موفق و عوامل کلیدی مؤثر در عملکرد این دادگاه‌ها هستیم. مقایسه این سه مدل به ما امکان می‌دهد تا نقاط قوت و ضعف هریک را شناسایی کنیم و در نهایت به ارائه پیشنهادهایی برای بهبود عملکرد دادگاه‌های صلح در سایر کشورها بپردازیم.

۲-۱-۱. دادگاه‌های صلح فرانسه (Tribunaux de proximité)

دادگاه‌های صلح فرانسه که تا قبل از اصلاحات قضایی فرانسه در سال ۲۰۱۷، با عنوان "Juges de proximité" شناخته می‌شوند، نقش مهمی در سیستم قضایی این کشور ایفا می‌نمود. این دادگاه‌ها با هدف تسهیل دسترسی شهروندان به عدالت و حل و فصل سریع اختلافات کوچک و روزمره تأسیس شد. تاریخچه این دادگاه‌ها به انقلاب فرانسه برمی‌گردد، اما در طول زمان تغییرات قابل توجهی را تجربه کرده‌اند (Cadiet, 2017: 125).

دادگاه صلح در فرانسه قدمتی دویست‌ساله دارد. پیش از انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹)، نظام دادگستری این کشور بسیار تشریفاتی و ناکارآمد بود و نیاز به تحولی اساسی داشت. با وقوع انقلاب کبیر، نظام حقوقی و قضایی فرانسه دچار تغییرات بنیادی شد. اگرچه پیش از انقلاب و از سال ۱۷۷۲ دادگاه‌هایی شبیه به دادگاه صلح وجود داشت، اما این نهاد به‌طور رسمی و با عنوان مشخص «دادگاه صلح» در سال ۱۷۹۰ تأسیس شد و در کنار دادگاه‌های نخستین و دیوان‌های جنایی فعالیت خود را آغاز کرد.

یکی از ویژگی‌های مهم نظام قضایی فرانسه در این دوره تأکید بر مشارکت مردم در فرایند دادرسی بود. ایده اصلی این بود که مردم بتوانند خودشان در حل اختلافات نقش داشته باشند، زیرا این نوع عدالت ملموس‌تر و مؤثرتر به نظر می‌رسید. با این حال، صلاحیت‌های دادگاه‌های صلح در طول زمان بارها دستخوش تغییرات شد؛ به عنوان مثال، در سال‌های ۱۸۵۴، ۱۸۷۷، ۱۸۸۴، ۱۸۹۵، ۱۸۹۸ و ۱۹۰۱ اصلاحات متعددی در وظایف و صلاحیت‌های این دادگاه‌ها اعمال شد. با وجود این تغییرات، نگرش اصلی همچنان حفظ شد: دادرسی صرفاً نباید به قاضی محدود شود و مشارکت مردم می‌تواند به تحقق عدالت کمک کند.

دادگاه‌های صلح با همین عنوان از سال ۱۷۹۰ تا ۱۹۷۰ فعالیت داشتند و بعدها توسط بسیاری از کشورها الگوبرداری شدند. پس از سال ۱۹۷۰ نام این دادگاه‌ها تغییر کرد، اما ماهیت آنها تغییر چندانی نیافت.^۱ با این حال در سال ۲۰۱۷ این دادگاه‌ها منحل و مجدداً تحت عنوان "Tribunaux de proximité" بازسازی شدند و صلاحیت‌های جدیدی به آنها اعطا شد (Ministère de la Justice, 2020). این دادگاه‌ها در حوزه‌هایی که دادگاه بخش تشکیل نشده‌اند، تأسیس شد و برخلاف گذشته که توسط قاضی صلح رسیدگی می‌شد، این دادگاه‌ها اکنون تحت مدیریت یک «مقام قضایی» فعالیت می‌کنند که این امر تفاوت گسترده‌ای در دادگاه صلح امروزی فرانسه با دادگاه صلح گذشته به وجود آورده است (Jeuland, 2019: 78).

یکی از ویژگی‌های بارز دادگاه‌های صلح فرانسه تأکید بر میانجی‌گری و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات است. قضات این دادگاه‌ها اغلب تلاش می‌کنند تا پیش از آنکه به صدور حکم رسمی بپردازند، طرفین را به توافق ترغیب کنند (Ferrand, 2018: 203).

صلاحیت دادگاه‌های در دسترس جدید فرانسه عمدتاً شامل رسیدگی به دعاوی مدنی با ارزش کمتر از ۱۰/۰۰۰ یورو، اختلافات همسایگی، مسائل مربوط به اجاره مسکن و برخی تخلفات جزئی می‌شود. این محدوده صلاحیت به دادگاه‌ها اجازه می‌دهد تا بر حل و فصل مسائلی تمرکز کنند که بیشترین تأثیر را بر زندگی روزمره شهروندان دارند (Guinchard, 2020: 156). علاوه بر این، دادگاه‌های صلح فرانسه از فناوری‌های نوین برای تسهیل دسترسی شهروندان به خدمات قضایی استفاده می‌کنند. برای مثال، سیستم ثبت آنلاین شکایات و درخواست‌ها، امکان برگزاری جلسات دادرسی از راه دور و ارائه مشاوره‌های حقوقی آنلاین از جمله این نوآوری‌ها هستند (Jeuland, 2019: 112).

۱. وینار آموزشی «دادرسی در دادگاه صلح»، برگزارشده توسط معاونت منابع انسانی دادگستری شهرستان کهگیلویه و بویراحمد، ارائه شده توسط دکتر حسن محسنی، قابل مشاهده در:

www.instagram.com/reel/DDpTQ6MI14F/?igsh=MWo2aXlqNWlyYXl1MA

(تاریخ بازدید: ۲۸ ژانویه ۲۰۲۵)

یکی از چالش‌های اساسی دادگاه‌های صلح فرانسه استفاده از مقامات قضایی برای رسیدگی به دعاوی جزئی است که این امر آنها را از دادگاه‌های صلح متداول در سیستم‌های حقوقی اکثر کشورها متمایز می‌سازد. اگرچه این رویکرد منجر به کاهش حجم پرونده‌های دادگاه‌های بدوی^۱ شده، اما به‌کارگیری مقامات قضایی با دانش و مهارت لازم برای رسیدگی به پرونده‌های پیچیده، ضمن محدود شدن تعداد قضات با پایه قضایی در دادگاه‌های رسمی، باعث هدررفت استعدادهای قضایی و استفاده ناکارآمد از آنها می‌گردد.

به‌طور کلی به نظر می‌رسد که دادگاه صلح کنونی ایران پس از تصویب قانون جدید شوراهای حل اختلاف، به‌عنوان یک تقلید ناقص از دادگاه صلح کنونی فرانسه، بدون در نظر گرفتن پیشینه، حجم پرونده، فرهنگ و نیازهای جامعه ایران ایجاد شده است. این امر منجر به بروز مشکلات متعددی در جامعه شده که از همان ابتدای تشکیل آن نیز قابل مشاهده بوده است. با این حال، بررسی دقیق این مسائل از حوصله این نوشتار خارج است و به پژوهشی جداگانه موکول می‌گردد.

۲-۱-۲. دادگاه‌های صلح ایتالیا، "Giudice di Pace"

دادگاه‌های صلح ایتالیا، معروف به "Giudice di Pace"، یکی از ارکان مهم سیستم قضایی این کشور محسوب می‌شود. این نهاد که در سال ۱۹۹۱ تأسیس شد، با هدف تسهیل دسترسی شهروندان به عدالت و کاهش بار کاری دادگاه‌های عمومی ایجاد گردید. دادگاه‌های صلح ایتالیا نمونه‌ای موفق از تلاش برای ایجاد یک سیستم قضایی کارآمد و نزدیک به مردم هستند (Cappelletti & Garth, 2019: 87). دادگاه‌های صلح ایتالیا به‌عنوان دادگاه‌های تک‌قاضی عمل می‌کنند و در سطح محلی مستقر هستند. قضات این دادگاه‌ها غیرقضایی و معمولاً دارای تخصص در حوزه حقوق مدنی و کیفری هستند و برای رسیدگی به دعاوی کوچک و جزئی صلاحیت دارند. ساختار سلسله‌مراتبی این دادگاه‌ها به‌گونه‌ای است که تصمیمات آنها قابل تجدیدنظر در دادگاه‌های بالاتر است. (Chiarloni, 2019: 142).

دادگاه‌های صلح ایتالیا معمولاً از روش‌های ساده و سریع برای رسیدگی به دعاوی استفاده می‌کنند. این روش‌ها شامل جلسات غیررسمی، میانجی‌گری و داوری است. هدف اصلی این دادگاه‌ها حل و فصل اختلافات به‌صورت مسالمت‌آمیز و خارج از دادگاه است.

صلاحیت دادگاه‌های صلح ایتالیا شامل رسیدگی به دعاوی مدنی با ارزش کمتر از ۵/۰۰۰ یورو، برخی از جرائم جزئی و مسائل مربوط به مهاجرت و پناهندگی می‌شود. این محدوده صلاحیت به دادگاه‌ها اجازه می‌دهد تا بر حل و فصل مسائلی تمرکز کنند که بیشترین تأثیر را بر زندگی روزمره شهروندان دارند. علاوه بر این، دادگاه‌های صلح ایتالیا در زمینه میانجی‌گری و حل و فصل

مسالمت‌آمیز اختلافات نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند (Taruffo, 2021: 218).

دادگاه‌های صلح ایتالیا با چالش‌هایی همچون کمبود منابع، افزایش حجم پرونده‌ها و پیچیدگی برخی از دعاوی مواجه هستند. با این حال، این دادگاه‌ها در کاهش بار کاری دادگاه‌های عمومی و افزایش دسترسی شهروندان به عدالت نقش مهمی ایفا کرده‌اند.

یکی دیگر از ویژگی‌های قابل توجه دادگاه‌های صلح ایتالیا تأکید بر مشارکت جامعه در فرایند قضایی است. این دادگاه‌ها اغلب با سازمان‌های محلی، انجمن‌های حقوقی و گروه‌های اجتماعی همکاری می‌کنند تا آگاهی عمومی در مورد حقوق قانونی و روش‌های حل اختلاف را افزایش دهند. این رویکرد نه تنها باعث افزایش اعتماد عمومی به سیستم قضایی می‌شود، بلکه به پیشگیری از اختلافات و کاهش بار کاری دادگاه‌ها نیز کمک می‌کند (Chiarloni, 2019: 198).

در زمینه حقوق مهاجرت و پناهندگی، دادگاه‌های صلح ایتالیا نقش مهمی در رسیدگی به درخواست‌های پناهندگی و حل و فصل مسائل مربوط به اقامت خارجی‌ان ایفا می‌کنند. این مسئولیت به‌ویژه با توجه به موقعیت جغرافیایی ایتالیا و چالش‌های مهاجرتی که این کشور با آن مواجه است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. قضات صلح در این زمینه آموزش‌های تخصصی دریافت می‌کنند تا بتوانند با حساسیت و آگاهی لازم به این پرونده‌ها رسیدگی کنند (Taruffo, 2021: 287). در مجموع، دادگاه‌های صلح ایتالیا نمونه‌ای موفق از تلاش برای ایجاد یک سیستم قضایی کارآمد، دسترسی‌پذیر و نزدیک به مردم هستند. این دادگاه‌ها با ترکیبی از سنت‌های حقوقی دیرینه و نوآوری‌های مدرن، مدلی را ارائه می‌دهند که می‌تواند برای سایر کشورها در زمینه اصلاح سیستم قضایی الهام‌بخش باشد. با این حال، همچنان چالش‌هایی مانند تضمین کیفیت یکنواخت در تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت حجم بالای پرونده‌ها وجود دارد که نیازمند توجه مستمر و اصلاحات پیوسته است.

۲-۱-۳. دادگاه‌های صلح ژاپن (Kan'i Saibansho - 簡易裁判所)

دادگاه‌های صلح ژاپن که به زبان ژاپنی "Kan'i Saibansho" 簡易裁判所 نامیده می‌شوند، بخش مهمی از سیستم قضایی این کشور را تشکیل می‌دهند. این دادگاه‌ها که در سال ۱۹۲۲ تأسیس شدند، با هدف ارائه عدالت سریع، کم‌هزینه و قابل دسترس برای شهروندان عادی طراحی شده‌اند. دادگاه‌های صلح ژاپن نمونه‌ای منحصربه‌فرد از تلفیق سنت‌های حقوقی شرقی با مفاهیم مدرن عدالت هستند (Oda, 2019: 76).

یکی از ویژگی‌های بارز دادگاه‌های صلح ژاپن استفاده از قضات غیرحرفه‌ای در کنار قضات حرفه‌ای است. این قضات غیرحرفه‌ای که "Saiban-in" نامیده می‌شوند، از میان شهروندان عادی

انتخاب می‌شوند و در رسیدگی به پرونده‌های جزایی مشارکت می‌کنند. این سیستم که از سال ۲۰۰۹ اجرایی شده، تلاشی برای افزایش مشارکت عمومی در فرایند قضایی و ایجاد پیوند بین جامعه و سیستم حقوقی است (Fukurai, 2021: 131).

صلاحیت دادگاه‌های صلح ژاپن شامل رسیدگی به دعاوی مدنی با ارزش کمتر از ۱/۴ میلیون ین (حدود ۱۰/۰۰۰ دلار آمریکا)، جرائم جزئی با مجازات حداکثر تا سه سال حبس و برخی مسائل خانوادگی می‌شود. این محدوده صلاحیت به دادگاه‌ها اجازه می‌دهد تا بر حل و فصل مسائلی تمرکز کنند که بیشترین ارتباط را با زندگی روزمره شهروندان دارند (Matsui, 2020: 215).

یکی از نوآوری‌های جالب در سیستم دادگاه‌های صلح ژاپن تأکید بر میانجی‌گری و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات است. در فرهنگ ژاپنی حفظ هماهنگی اجتماعی و اجتناب از رویارویی مستقیم ارزش بالایی دارد. به همین دلیل دادگاه‌های صلح ژاپن از روش‌های متنوعی برای تشویق طرفین به حل اختلافات خود از طریق گفت‌وگو و سازش استفاده می‌کنند. این رویکرد نه تنها باعث کاهش بار کاری دادگاه‌ها می‌شود، بلکه به حفظ روابط اجتماعی و کاهش تنش‌های بین افراد نیز کمک می‌کند (Haley, 2018: 189).

یکی دیگر از ویژگی‌های قابل توجه دادگاه‌های صلح ژاپن سرعت رسیدگی به پرونده‌هاست. سیستم قضایی ژاپن به‌طور کلی برای کارآمدی و سرعت عمل شهرت دارد و دادگاه‌های صلح در این زمینه پیش‌تاز هستند. به‌طور متوسط رسیدگی به یک پرونده در دادگاه صلح ژاپن کمتر از دو ماه طول می‌کشد. این سرعت عمل ناشی از ترکیبی از روش‌های مدیریت پرونده، استفاده از فناوری و تأکید بر حل و فصل خارج از دادگاه است (Kisa, 2022: 97).

در زمینه استفاده از فناوری، دادگاه‌های صلح ژاپن در سال‌های اخیر پیشرفت‌های قابل توجهی داشته‌اند. سیستم ثبت الکترونیکی پرونده‌ها، امکان برگزاری جلسات دادرسی از راه دور و ارائه خدمات مشاوره حقوقی آنلاین از جمله نوآوری‌هایی است که به افزایش دسترسی شهروندان به خدمات قضایی کمک کرده‌اند. این پیشرفت‌ها به‌ویژه در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ مورد استقبال قرار گرفت و باعث تداوم خدمات قضایی در شرایط دشوار شد (Yamamoto, 2020: 256).

یکی از چالش‌های اصلی که دادگاه‌های صلح ژاپن با آن مواجه هستند، تعادل بین حفظ سنت‌های حقوقی و پاسخگویی به نیازهای جامعه مدرن است. در حالی که سیستم قضایی ژاپن به‌طور سنتی بر حفظ هماهنگی اجتماعی و حل اختلافات از طریق سازش تأکید دارد، افزایش آگاهی حقوقی شهروندان و پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی و اقتصادی نیاز به رویکردهای جدید را ایجاب می‌کند (Steele, 2019: 178).

در زمینه آموزش و توسعه حرفه‌ای، دادگاه‌های صلح ژاپن برنامه‌های جامعی برای قضات و کارکنان

خود دارند. این برنامه‌ها شامل آموزش‌های حقوقی، مهارت‌های ارتباطی و آشنایی با فناوری‌های جدید است. علاوه بر این، تبادل تجربیات بین قضات دادگاه‌های مختلف و برگزاری سمینارها و کارگاه‌های آموزشی منظم، به ارتقای کیفیت خدمات قضایی کمک می‌کند (Tanaka, 2021: 223).

یکی از جنبه‌های مهم دیگر دادگاه‌های صلح ژاپن نقش آنها در آموزش حقوقی به عموم مردم است. این دادگاه‌ها اغلب برنامه‌های آموزشی و بازدیدهایی برای دانش‌آموزان و شهروندان برگزار می‌کنند تا آنها را با سیستم قضایی و حقوق شهروندی آشنا کنند. این تلاش‌ها نه تنها به افزایش آگاهی حقوقی جامعه کمک می‌کند، بلکه اعتماد عمومی به سیستم قضایی را نیز تقویت می‌نماید (Fukurai, 2021: 198).

۲-۲. مقایسه ویژگی‌ها و عملکرد این مدل‌ها

مقایسه ویژگی‌ها و عملکرد دادگاه‌های صلح در فرانسه، ایتالیا و ژاپن نشان‌دهنده تفاوت‌ها و شباهت‌های جالبی در رویکردهای قضایی این کشورهاست. هریک از این سیستم‌ها ضمن حفظ اصول اساسی عدالت، ویژگی‌های منحصر به فردی دارند که متأثر از فرهنگ، تاریخ و نیازهای خاص جامعه آنهاست.

در فرانسه دادگاه‌های صلح که به "Tribunaux d'Instance" معروف هستند، مشابه دادگاه‌های صلح ایران با صلاحیت محدود شده هستند و بر حل و فصل اختلافات مدنی کوچک و برخی مسائل خانوادگی تمرکز دارند. این دادگاه‌ها با تأکید بر دسترسی آسان شهروندان به عدالت، از روش‌های ساده شده دادرسی استفاده می‌کنند. قضات این دادگاه‌ها قضایی هستند و تلاش می‌کنند تا با رویکردی عملگرایانه به حل مسائل بپردازند.

در ایتالیا دادگاه‌های صلح یا "Giudici di Pace" نقش مهمی در سیستم قضایی ایفا می‌کنند. این دادگاه‌ها علاوه بر رسیدگی به دعاوی مدنی کوچک، صلاحیت رسیدگی به برخی جرائم جزئی را نیز دارند. یکی از ویژگی‌های بارز سیستم ایتالیایی استفاده از قضات غیر حرفه‌ای است که از میان شهروندان با تحصیلات حقوقی انتخاب می‌شوند. این رویکرد به افزایش مشارکت جامعه در فرایند قضایی کمک می‌کند و همچنین کاهش حجم بار محاکم قضایی را به دنبال دارد.

در ژاپن دادگاه‌های صلح یا "Kan'i Saibansho" با تأکید بر حل و فصل سریع و کم‌هزینه اختلافات، نقش مهمی در سیستم قضایی ایفا می‌کنند. یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد سیستم ژاپنی، تأکید قوی بر میانجی‌گری و حل مسالمت‌آمیز اختلافات است. این رویکرد که ریشه در فرهنگ و سنت‌های ژاپنی دارد، باعث کاهش قابل توجه بار کاری دادگاه‌ها و حفظ هماهنگی اجتماعی می‌شود.

در مقایسه عملکرد این سه سیستم می توان گفت که دادگاه‌های صلح ژاپن در زمینه سرعت رسیدگی به پرونده‌ها پیش‌تاز هستند. متوسط زمان رسیدگی به یک پرونده در ژاپن کمتر از دو ماه است، در حالی که این زمان در فرانسه و ایتالیا معمولاً طولانی تر است. این تفاوت تا حد زیادی ناشی از تأکید سیستم ژاپنی بر حل و فصل خارج از دادگاه و استفاده گسترده از فناوری در فرایندهای قضایی است.

از نظر دسترسی به عدالت، هر سه سیستم تلاش‌های قابل توجهی برای تسهیل دسترسی شهروندان به خدمات قضایی انجام داده‌اند. با این حال، سیستم ایتالیایی با استفاده از قضات غیرحرفه‌ای، گامی فراتر در جهت مشارکت مستقیم جامعه در فرایند قضایی برداشته است. این رویکرد می تواند به افزایش اعتماد عمومی به سیستم قضایی کمک کند.

در زمینه صلاحیت، دادگاه‌های صلح ژاپن دارای گسترده‌ترین حوزه صلاحیت هستند و می توانند به طیف وسیع تری از پرونده‌ها رسیدگی کنند. این امر باعث می شود که این دادگاه‌ها نقش پررنگ تری در سیستم قضایی ژاپن ایفا کنند. دادگاه‌های شهرستان (Tribunaux de grande instance) ادغام شده و تشکیل دادگاه‌های قضایی (Tribunaux judiciaires) را دادند.

یکی از نکات قابل توجه در مقایسه این سه سیستم، تفاوت در رویکرد به آموزش و توسعه حرفه‌ای قضات است. در حالی که هر سه کشور برنامه‌های آموزشی برای قضات دارند، سیستم ژاپنی تأکید بیشتری بر آموزش مستمر و به‌روزرسانی مهارت‌های قضات دارد. این امر به ویژه در زمینه آشنایی با فناوری‌های جدید و روش‌های نوین حل اختلاف مشهود است (Cappelletti & Garth, 2019: 63). این در حالی است که فرانسه با انحلال دادگاه صلح سابق و ادغام آن با دادگاه‌های بدوی^۱ و دادگاه‌های شهرستان^۲، عملاً از مقامات قضایی برای تصدی شعب استفاده می کند که محدود شدن دادگاه‌ها و عدم استفاده بهینه از نیروهای متخصص را به دنبال دارد.

در مجموع، مقایسه این سه سیستم نشان می دهد که هر یک با توجه به شرایط خاص فرهنگی، اجتماعی و حقوقی خود، رویکردهای متفاوتی را در اجرای عدالت اتخاذ کرده‌اند. در حالی که سیستم ژاپنی بر سرعت و کارآمدی تمرکز دارد، سیستم ایتالیایی بر مشارکت جامعه تأکید می کند و سیستم فرانسوی به دنبال قضایی نمودن دادگاه صلح است. این تنوع در رویکردها می تواند منبع الهامی برای سایر کشورها در جهت بهبود سیستم‌های قضایی خود باشد.

1. Tribunaux d'instance

2. Tribunaux de grande instance

۲-۳. شناسایی عوامل کلیدی موفقیت نمونه‌های دادگاه‌های صلح

دادگاه‌های صلح در کشورهای مختلف، با توجه به ساختار و عملکرد خاص خود، عوامل کلیدی متفاوتی برای موفقیت دارند. با این حال، برخی عوامل مشترک را می‌توان شناسایی کرد که در موفقیت این نمونه‌ها نقش اساسی ایفا می‌کنند.

الف) دسترسی آسان به عدالت: یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت دادگاه‌های صلح تسهیل دسترسی شهروندان به خدمات قضایی است. این امر شامل موقعیت جغرافیایی مناسب دادگاه‌ها، ساعات کاری منعطف و فرایندهای ساده شده برای ثبت دعاوی می‌شود (Staudt & Hannaford, 2019: 87).

ب) سرعت در رسیدگی: توانایی رسیدگی سریع به پرونده‌ها یکی از مزایای اصلی دادگاه‌های صلح است. این امر نه تنها به کاهش حجم پرونده‌های معوق کمک می‌کند، بلکه رضایت عمومی از سیستم قضایی را نیز افزایش می‌دهد (Zuckerman, 2018: 132).

ج) هزینه‌های پایین: دادگاه‌های صلح معمولاً با هدف ارائه خدمات قضایی کم‌هزینه طراحی شده‌اند. این ویژگی باعث می‌شود که افراد بیشتری بتوانند از خدمات قضایی استفاده کنند (Cappelletti & Garth, 2019: 218).

د) انعطاف‌پذیری در روش‌های حل اختلاف: استفاده از روش‌های متنوع حل اختلاف، مانند میانجی‌گری و مصالحه، یکی از عوامل کلیدی موفقیت این دادگاه‌هاست. این انعطاف‌پذیری امکان حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات را افزایش می‌دهد (Mak, 2017: 156).

ه) صلاحیت مناسب: تعریف دقیق و مناسب حوزه صلاحیت دادگاه‌های صلح، به گونه‌ای که بتواند طیف وسیعی از دعاوی کوچک و متوسط را پوشش دهد، در موفقیت این مدل‌ها نقش مهمی دارد (Zuckerman, 2018: 145).

و) آموزش و صلاحیت قضات: کیفیت و صلاحیت قضات دادگاه‌های صلح یکی از عوامل کلیدی موفقیت است. آموزش مداوم و به‌روزرسانی دانش حقوقی و مهارت‌های حل اختلاف قضات تأثیر مستقیمی بر کیفیت خدمات ارائه شده دارد (Mak, 2017: 178).

ز) استفاده از فناوری: بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در مدیریت پرونده‌ها، ثبت الکترونیکی دعاوی و برگزاری جلسات مجازی به افزایش کارایی و دسترسی‌پذیری دادگاه‌های صلح کمک می‌کند (Reiling, 2020: 92).

ح) مشارکت جامعه: در برخی نمونه‌ها، مانند سیستم ایتالیایی، مشارکت مستقیم جامعه در فرایند قضایی (مثلاً از طریق قضات غیرحرفه‌ای) یکی از عوامل موفقیت محسوب می‌شود (Cappelletti & Garth, 2019: 245).

ط) شفافیت و پاسخگویی: وجود سازوکارهای شفاف برای نظارت بر عملکرد دادگاه‌های صلح و پاسخگویی آنها به جامعه، اعتماد عمومی را افزایش می‌دهد و به موفقیت این نمونه‌ها کمک می‌کند (Staudt & Hannaford, 2019: 112).

ی) انطباق با فرهنگ محلی: توانایی انطباق مدل دادگاه صلح با ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی جامعه محلی یکی از عوامل کلیدی در پذیرش و موفقیت این سیستم‌هاست (Mak, 2017: 203). این عوامل کلیدی موفقیت می‌توانند به‌عنوان راهنمایی برای بهبود و توسعه نمونه‌های دادگاه صلح در سایر کشورها مورد استفاده قرار گیرند. البته باید توجه داشت که اهمیت نسبی هریک از این عوامل ممکن است با توجه به شرایط خاص هر کشور متفاوت باشد.

۳. چالش‌ها و موانع پیش روی دادگاه‌های صلح در نظام حقوقی ایران

دادگاه‌های صلح با وجود مزایای فراوانی که در کاهش بار سیستم قضایی و تسریع در روند رسیدگی به دعاوی دارند، با چالش‌ها و موانع متعددی در مسیر پیاده‌سازی و اجرای مؤثر مواجه هستند. این چالش‌ها می‌توانند از جنبه‌های مختلف حقوقی، فرهنگی و ساختاری بر عملکرد این دادگاه‌ها تأثیر بگذارند و مانع از دستیابی به اهداف مورد نظر شوند. در این بخش به بررسی چالش‌های اصلی در پیاده‌سازی دادگاه‌های صلح، موانع حقوقی، فرهنگی و ساختاری موجود و ارائه راهکارهای مناسب برای رفع این چالش‌ها پرداخته می‌شود.

۳-۱. تاریخچه اجمالی دادگاه صلح در ایران

نخستین قانون تصویب‌شده در ایران، قانون اصول تشکیلات عدلیه، محاضر شرعیه و حکام صلحیه بود. در این قانون اصطلاح «اصول» به‌معنای آیین‌نامه و مقررات عدلیه به‌کار رفته است. در آن زمان محاضر شرعی و حکام صلحی همچنان تحت اداره مجتهدین قرار داشت و هنوز دستگاه قضایی عرفی به‌طور کامل جایگزین نشده بود. حکام صلحی که در متون حقوقی آن دوران معادل قضات صلح محسوب می‌شدند، وظیفه حل و فصل اختلافات را بر عهده داشتند.

بر اساس ماده ۶ این قانون، تقسیمات قضایی کشور به سه حوزه اصلی شامل حوزه صلحی، حوزه ابتدایی و حوزه استینافی تعریف شد. حوزه صلحی به‌عنوان نخستین سطح قضایی، حوزه ابتدایی به‌عنوان مرجع بدوی، و حوزه استینافی به‌عنوان مرجع تجدیدنظر تعیین شد. در ماده ۷، حوزه قضایی به‌عنوان بخشی از خاک ایران که در قلمرو یک محکمه صلحیه قرار دارد، تعریف شد. همچنین در ماده ۱۰، دیوان تمیز (دیوان عالی کشور) به‌عنوان مرجع عالی‌رتبه در نظام قضایی کشور معرفی گردید.

در آن مقطع تاریخی، تقسیمات کشوری به شکل امروزی وجود نداشت. برای نمونه، در قانون مدنی آن دوران، اصطلاحاتی مانند «حکام ولایات» به کار رفته که نشان دهنده نبود مفاهیمی چون «استان»، «شهرستان» و «بخش» در نظام اداری کشور بود. سیستم نوین تقسیمات کشوری مطابق قانون مصوب ۱۳۱۶ ایجاد شد و در ماده ۶ آن، تقسیم‌بندی کشور به استان، شهرستان، بخش و دهستان مشخص گردید. این تحول بر تقسیمات قضایی نیز تأثیر گذاشت، به گونه‌ای که حوزه‌های صلحی مطابق این قانون به «بخش» تغییر نام یافت و در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸، دادگاه صلحی به دادگاه بخش تبدیل شد.

در ماده ۱۳ این قانون، صلاحیت دادگاه بخش در رسیدگی به دعاوی مالی کمتر از ۱۰/۰۰۰ ریال، تخلیه اعیان، دعاوی ممانعت از حق و تصرف عدوانی، درخواست تأمین دلیل و سازش میان طرفین مشخص شد. همچنین ماده ۱۴ این قانون مقرر داشت که دادگاه بخش در صورت تراضی طرفین می‌تواند به دعاوی با هر میزان خواسته رسیدگی کند.

نظام قضایی ایران در دوره‌های بعد همچنان در حال تحول بود. در سال ۱۳۳۸ قانونی برای تشکیل «دادگاه‌های سیار» به تصویب رسید که وزارت دادگستری را مجاز می‌ساخت در مناطق دورافتاده، دادگاهی برای رسیدگی به دعاوی مدنی و کیفری تشکیل دهد. بر اساس این قانون، صلاحیت این دادگاه‌ها مشابه دادگاه‌های بخش تعیین شد و رسیدگی به دعاوی در این دادگاه‌ها به صورت شفاهی امکان‌پذیر گردید.

در سال ۱۳۵۶ تحول دیگری در نظام قضایی کشور رخ داد و قانون «شورای داوری» تصویب شد. بر اساس این قانون، شورای داوری متشکل از معتمدین محلی بود که برای مدت چهار سال انتخاب می‌شدند و مسئولیت حل و فصل اختلافات را بر عهده داشتند. این شوراها در دعاوی مالی تا سقف ۲۰۰/۰۰۰ ریال، دعاوی مربوط به اموال منقول و غیر منقول، گواهی انحصار وراثت و دعاوی مشابه دارای صلاحیت بودند.

پس از انقلاب اسلامی، مفهوم شوراهای داوری در قالب «شورای حل اختلاف» بازتعریف شد و تحت عنوان قانون شوراهای حل اختلاف مکرراً مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفت. با این حال، نقش این شوراها همچنان در راستای کاهش بار دادگاه‌های عمومی و تسهیل حل و فصل اختلافات باقی ماند تا تصویب قانون شوراهای حل اختلاف اخیر مصوب ۱۴۰۲ که تغییرات بنیادینی در ساختار این شوراها به وجود آورد و ماهیت آن را از رسیدگی به دعاوی جزئی با رویکرد حل اختلافی به تنها وظیفه حل اختلاف و میانجی‌گری بدون امکان مداخله قضایی تبدیل نمود.^۱

۱. برگرفته از وبینار آموزشی «ادارسی در دادگاه صلح»، برگزار شده توسط معاونت منابع انسانی دادگستری شهرستان کهگیلویه و بویراحمد، ارائه شده توسط دکتر حسن محسنی. قابل مشاهده در:

این تحولات نشان‌دهنده روند تدریجی تحول نظام قضایی ایران از ساختار سنتی مبتنی بر محاضر شرعیه و حکام صلحیه به ساختاری مدرن‌تر بوده است.

۲-۳. شناسایی چالش‌های اصلی در پیاده‌سازی دادگاه‌های صلح و ارائه راهکار

پیاده‌سازی دادگاه‌های صلح در نظام حقوقی ایران، علی‌رغم مزایای بالقوه آن، با چالش‌های متعددی روبه‌رو است. این چالش‌ها از جنبه‌های مختلف قابل بررسی هستند و درک صحیح آنها می‌تواند به طراحی و اجرای موفق این نهاد در ساختار قضایی کشور کمک کند.

۱-۲-۳. تعیین حدود صلاحیت دادگاه‌های صلح

یکی از چالش‌های اصلی، تعیین حدود صلاحیت دادگاه‌های صلح است. در سیستم قضایی ایران نیاز به کاهش بار دادگاه‌های عمومی ضرورت ایجاد نهادهایی مانند دادگاه‌های صلح را برجسته می‌کند. با این حال، این پرسش مطرح می‌شود که چه نوع دعاوی‌ای باید در صلاحیت این دادگاه‌ها قرار گیرد و تا چه حد می‌توان بار قضایی را به آنها واگذار کرد. در نظام حقوقی ایران دعاوی مختلف از جنبه‌های پیچیدگی، میزان خواسته و ماهیت حقوقی متفاوتی برخوردارند. (کاتوزیان، ۱۳۹۸: ۲۱۵)؛ بنابراین تعیین دقیق حدود صلاحیت دادگاه‌های صلح برای جلوگیری از تداخل با صلاحیت دادگاه‌های عمومی و در عین حال تضمین دادرسی عادلانه بسیار مهم است. این امر نیازمند بررسی‌های کارشناسانه و تطبیق با سایر نظام‌های حقوقی موفق در این زمینه است. اگر حدود صلاحیت به‌درستی تعیین نشود، ممکن است به بروز مشکلاتی همچون تضاد صلاحیت‌ها و ناهماهنگی در رویه قضایی منجر شود که می‌تواند اثربخشی دادگاه‌های صلح را زیر سؤال ببرد.

۲-۲-۳. انتخاب و آموزش قضات صلح

چالش دیگر انتخاب و آموزش قضات صلح است. در هر نهاد قضایی، کیفیت قضات از اهمیت حیاتی برخوردار است. دادگاه‌های صلح به دلیل ماهیت خاص خود که بیشتر بر حل و فصل اختلافات به روش‌های غیر تقابلی تمرکز دارند، نیازمند قضاتی با مهارت‌های ویژه هستند. این قضات باید علاوه بر دانش حقوقی و فقهی، توانایی‌هایی در زمینه میانجی‌گری و مدیریت تعارضات داشته باشند. اما مسئله مهم اینجاست که دادگاه صلح یکی از مهم‌ترین رسالت‌های خود را کاهش حجم بار محاکم قضایی در سراسر دنیا قرار داده و برای این منظور سعی دارد نیروهای خود را از افراد و

احاد جامعه انتخاب کند و آموزش دهد تا ضمن مردمی تر شدن محاکم، از پیچیدگی ها و تشریفات رسیدگی بکاهد؛ این در حالی است که در نظام حقوقی ایران، مطابق اصل ۱۶۳ قانون اساسی، شخصی که به عنوان قاضی در اختلافات افراد فصل خصومت می نماید، می بایست دارای شرایط منعکس شده در فقه باشد (شمس، ۱۴۰۰: ۱۷۸). از این رو با یک دید ظاهری و بنابر نظر مبتنی بر نص، امکان استفاده از غیر دارندگان پایه قضایی برای رسیدگی قضایی وجود ندارد (البته این نظر صحیحی نیست و تفصیل آن در پژوهش دیگر بررسی خواهد شد)؛ لذا صرف نظر از درست بودن یا نبودن این نظر، یک چالش اساسی در تعیین و انتخاب قضات دادگاه های صلح است که نیاز به بررسی در این زمینه و حل این چالش احساس می گردد.

۳-۲-۳. تأمین منابع مالی و زیرساخت های لازم

تأمین منابع مالی و زیرساخت های لازم برای راه اندازی و نگهداری دادگاه های صلح یکی دیگر از چالش های اساسی است. در شرایط اقتصادی فعلی کشور که با محدودیت های بودجه ای و منابع مالی روبه رو هستیم، این مسئله به ویژه حساسیت بیشتری پیدا می کند. هزینه های مرتبط با ایجاد و نگهداری این نهاد شامل استخدام و آموزش پرسنل، تهیه فضای فیزیکی مناسب برای برگزاری جلسات دادگاه و تأمین تجهیزات لازم مانند سیستم های کامپیوتری و اداری است (انصاری، ۱۳۹۹: ۳۰۲). از سوی دیگر، هزینه های جاری برای نگهداری این نهاد نیز باید به طور مستمر تأمین شود. نبود تأمین مناسب این منابع می تواند منجر به عملکرد ضعیف دادگاه های صلح و در نهایت شکست این نهاد شود. یکی از راهکارها می تواند جذب منابع از طریق همکاری های بین المللی یا استفاده از ظرفیت های بخش خصوصی باشد، اما این امر نیز خود نیازمند برنامه ریزی و ایجاد بسترهای قانونی مناسب است.

۳-۲-۴. ایجاد هماهنگی میان دادگاه های صلح و سایر نهادهای قضایی

یکی از چالش های مهم دیگر ایجاد هماهنگی میان دادگاه های صلح و سایر نهادهای قضایی موجود است. در ایران نهادهای مختلفی از جمله شوراهای حل اختلاف و دادگاه های عمومی در زمینه سازش و حل و فصل اختلافات فعالیت دارند. برای جلوگیری از تداخل در وظایف و اختیارات این نهادها، نیاز به مرزبندی دقیق و مشخصی وجود دارد. این امر نه تنها از تداخل وظایف جلوگیری می کند، بلکه به ایجاد یک سیستم منسجم و هماهنگ در رسیدگی به دعاوی کمک می کند (مهرپور، ۱۳۹۷: ۱۵۶). این هماهنگی همچنین مستلزم بازنگری در قوانین موجود و احتمالاً تصویب قوانین جدید برای تعریف بهتر نقش و جایگاه هریک از این نهادهاست. اگر هماهنگی مناسبی میان این

نهادها برقرار نشود، ممکن است باعث سردرگمی مراجعان و کاهش اعتماد عمومی به سیستم قضایی شود، کما اینکه تصویب قانون شوراهای حل اختلاف جدید و تأسیس یک نهاد حقوقی به نام دادگاه صلح آن هم در قالب یک ماده قانونی (ماده ۱۲ قانون مذکور) با ابهامات و عدم مرز بندی صحیح موجب سردرگمی مراجعان و تشکیل رویه‌های قضایی متعدد و نهایتاً اطاله دادرسی و نارضایتی مراجعه‌کنندگان شده که نیاز است قانونگذار هرچه سریع‌تر به حل این تعارضات و ابهامات با تصویب قوانین تکمیل بپردازد.

۳-۲-۵. ایجاد سازوکارهای نظارتی مؤثر

چالش دیگر ایجاد سازوکارهای نظارتی مؤثر بر عملکرد دادگاه‌های صلح است. نظارت بر عملکرد این دادگاه‌ها برای تضمین عدالت و کیفیت دادرسی‌ها ضروری است. این نظارت باید به‌گونه‌ای باشد که ضمن حفظ استقلال قضایی، بتواند به‌صورت دقیق و منظم بر عملکرد قضات و کارکنان دادگاه‌های صلح نظارت کند. همچنین باید مکانیسم‌هایی برای رسیدگی به شکایات از تصمیمات دادگاه‌های صلح و بررسی صحت و دقت این تصمیمات ایجاد شود. این مکانیسم‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که نه تنها به مسائل فنی و حقوقی رسیدگی کنند، بلکه از نگاه اخلاقی و عدالت‌محور نیز به مسائل بپردازند. یکی از راهکارها می‌تواند ایجاد یک واحد نظارتی مستقل در قوه قضائیه باشد که به‌طور ویژه بر عملکرد دادگاه‌های صلح نظارت داشته باشد. نبود نظارت کارآمد ممکن است منجر به بروز تخلفات، کاهش اعتماد عمومی و در نهایت ناکارآمدی این نهاد شود.

۳-۲-۶. تطبیق روش‌های رسیدگی با اصول دادرسی عادلانه

تطبیق روش‌های رسیدگی در دادگاه‌های صلح با اصول دادرسی عادلانه و قوانین موضوعه کشور چالشی مهم است. دادگاه‌های صلح، با وجود ماهیت غیررسمی‌تر و سریع‌تر خود، نباید از رعایت اصول اساسی دادرسی مانند حق دفاع، امکان اعتراض و رعایت قوانین آیین دادرسی مدنی غافل شوند (خالقی، ۱۳۹۸: ۴۲۳). این اصول از جمله حقوق بنیادین در نظام قضایی هستند که تضمین‌کننده عدالت و انصاف در رسیدگی به دعاوی هستند. اگرچه دادگاه‌های صلح به منظور کاهش بار قضایی و تسریع در حل و فصل دعاوی ایجاد شده‌اند، اما نباید به هیچ وجه این امر را به قیمت نادیده گرفتن حقوق اساسی طرفین تمام کنند. یکی از راهکارها در این زمینه می‌تواند تدوین قوانین و آیین‌نامه‌های ویژه برای دادگاه‌های صلح باشد که به‌صورت شفاف و دقیق، نحوه رعایت اصول دادرسی عادلانه را در این دادگاه‌ها تعریف کند.

۳-۳. ارائه راهکار مناسب برای رفع این چالش‌ها

پس از شناسایی چالش‌های اصلی در پیاده‌سازی دادگاه‌های صلح، ارائه راهکارهای مناسب برای رفع این چالش‌ها ضروری است. این راهکارها باید جامع، عملی و متناسب با شرایط حقوقی و اجتماعی ایران باشد.

برای رفع چالش تعیین حدود صلاحیت دادگاه‌های صلح پیشنهاد می‌شود کمیته‌ای متشکل از قضات باتجربه، وکلای و اساتید حقوق تشکیل شود. این کمیته می‌تواند با بررسی دقیق انواع دعاوی و میزان خواسته‌ها، صلاحیت دادگاه‌های صلح را به صورت دقیق و شفاف تعیین کند. همچنین می‌توان از تجربیات کشورهای که دادگاه‌های صلح موفق دارند، بهره برد.

در مورد چالش انتخاب و آموزش قضات صلح، راه‌حل می‌تواند با تفسیر صحیح از اصول و موازین فقهی (از جمله مطابقت‌سازی با اصطلاحات فقهی جایگزین و نیز اعطای اذن به عنوان قاضی مأذون) امکان به‌کارگیری اشخاص غیرقضایی آموزش دیده فراهم باشد. طبعاً لزوم ایجاد دوره‌های آموزشی وجود دارد که این دوره‌ها باید شامل آموزش‌های حقوقی، مهارت‌های حل و فصل اختلاف و تکنیک‌های میانجی‌گری باشد. همچنین می‌توان از قضات بازنشسته و وکلای باتجربه برای تصدی این سمت دعوت به عمل آورد.

برای تأمین منابع مالی و زیرساخت‌های لازم می‌توان از روش‌های نوآورانه مانند مشارکت بخش خصوصی استفاده کرد. همچنین استفاده از فضاهای موجود در دادگستری‌ها و شوراهای حل اختلاف می‌تواند هزینه‌های اولیه را کاهش دهد. بهره‌گیری از تکنولوژی‌های نوین مانند دادرسی الکترونیک نیز می‌تواند به کاهش هزینه‌ها کمک کند.

برای ایجاد هماهنگی میان دادگاه‌های صلح و سایر نهادهای قضایی، تدوین قوانین و آیین‌نامه‌های تکمیلی جامع که وظایف و حدود اختیارات هر نهاد را به دقت مشخص کند و از قوانین حاضر رفع ابهام می‌نماید، ضروری است. همچنین برگزاری جلسات منظم میان مسئولان این نهادها می‌تواند به ایجاد هماهنگی بیشتر کمک کند. هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز با صدور رأی وحدت رویه در موارد اختلاف می‌تواند راهگشا باشد.

برای ایجاد سازوکارهای نظارتی مؤثر می‌توان با تأسیس یک سیستم نظارتی مستقل به صورت دوره‌ای عملکرد دادگاه‌های صلح را بررسی کند و گزارش‌های لازم را ارائه دهد.

برای تطبیق روش‌های رسیدگی با اصول دادرسی عادلانه که هم تأمین‌کننده سرعت در رسیدگی و کاستن از تشریفات دادرسی باشد و هم تأمین‌کننده اصول دادرسی عادلانه باشد، تدوین آیین دادرسی ویژه دادگاه‌های صلح ضروری است. این آیین دادرسی باید ضمن حفظ انعطاف‌پذیری لازم، اصول اساسی دادرسی عادلانه را تضمین کند.

در مورد تعیین جایگاه آرای صادره از دادگاه‌های صلح پیشنهاد می‌شود که این آرا در موارد کم‌اهمیت قطعی باشد و در سایر موارد، قابل تجدیدنظر در دادگاه‌های عمومی باشد. این امر می‌تواند ضمن تسریع در رسیدگی‌ها، حق دادخواهی افراد را نیز تضمین کند.

برای اجرای موفق این راهکارها، همکاری نزدیک میان قوه قضائیه، مجلس شورای اسلامی و سایر نهادهای ذی‌ربط ضروری است. همچنین استفاده از نظرات کارشناسان حقوقی و قضایی و بهره‌گیری از تجربیات بین‌المللی می‌تواند به بهبود و تکمیل این راهکارها کمک کند.

در نهایت باید توجه داشت که پیاده‌سازی موفق دادگاه‌های صلح فرایندی زمان‌بر است و نیازمند ارزیابی و اصلاح مستمر است. بنابراین ایجاد سازوکارهایی برای ارزیابی مداوم عملکرد این دادگاه‌ها و اصلاح راهکارها بر اساس نتایج حاصله ضروری است.

نتیجه و پیشنهاد

این پژوهش با هدف بررسی جامع نقش دادگاه‌های صلح در کاهش بار سیستم قضایی و مطالعه تطبیقی نمونه‌های موفق بین‌المللی انجام شد. یافته‌های حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که دادگاه‌های صلح در صورت طراحی و اجرای صحیح، می‌توانند نقشی کلیدی در بهبود کارآمدی نظام عدالت و افزایش دسترسی شهروندان به خدمات قضایی ایفا کنند.

صرف‌نظر از دادگاه‌های صلح کنونی تأسیس شده در ایران، مطالعه تطبیقی نمونه‌های موفق دادگاه‌های صلح در کشورهایی چون فرانسه، ایتالیا و ژاپن نشان داد که علی‌رغم تفاوت‌های ساختاری و فرهنگی، عوامل مشترکی در موفقیت این نهادها نقش داشته. انعطاف‌پذیری در رسیدگی، تأکید بر حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات، سرعت در رسیدگی و مشارکت فعال طرفین در فرایند حل مسئله، از جمله ویژگی‌های کلیدی این نمونه‌های موفق به شمار می‌رود. با این حال، پیاده‌سازی و توسعه دادگاه‌های صلح در نظام حقوقی ایران با چالش‌هایی روبه‌روست که نیازمند توجه دقیق و برنامه‌ریزی جامع است. تعیین حدود صلاحیت دادگاه‌های صلح، انتخاب و آموزش قضات صلح، تأمین منابع مالی و زیرساخت‌های لازم و ایجاد هماهنگی میان دادگاه‌های صلح و سایر نهادهای قضایی از جمله مهم‌ترین چالش‌های پیش رو هستند.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، پیشنهادها زیر برای بهبود و توسعه دادگاه‌های صلح در نظام حقوقی ایران ارائه می‌شود:

۱. تدوین قوانین و مقررات جامع: ضروری است قوانین و مقررات مشخصی برای تعیین حدود صلاحیت، ساختار سازمانی، و همچنین آیین دادرسی دادگاه‌های صلح تدوین شود تا از طرفی، با تعیین حدود صلاحیت‌ها، از اختلاف در رویه‌ها و رفت‌وبرگشت مکرر پرونده‌ها

- از دادگاه صلح به محاکم عمومی جلوگیری گردد و از طرف دیگر، با تدوین آیین دادرسی مختص دادگاه صلح، ضمن حفظ انعطاف‌پذیری لازم و حذف تشریفات غیرضروری دادرسی، چارچوب مشخصی برای فعالیت این دادگاه‌ها فراهم آورده شود.
۲. جذب نیروهای دادگاه صلح از افراد غیرقضایی آموزش دیده: پیشنهاد می‌شود بدو به جهت محدود نمودن قضاات دادگاه‌های عمومی و نیز استفاده ناکارآمد از نیروی متخصص بجای به‌کارگیری قضاات دارای پایه قضایی، از افراد آشنا با مسائل حقوقی (همچون وکلا، قضاات بازنشسته، دارندگان تحصیلات تکمیلی حقوق و افراد دارای سابقه کار حقوقی) استفاده گردد و برنامه آموزشی ویژه‌ای برای تربیت قضاات صلح طراحی و اجرا شود. این برنامه باید علاوه بر آموزش‌های حقوقی، مهارت‌های میانجی‌گری، حل مسئله و مدیریت تعارض را نیز در بر گیرد.
۳. اجرای طرح‌های پایلوت: پیش از اجرای گسترده دادگاه‌های صلح در سطح کشور، توصیه می‌شود طرح‌های پایلوت در چند منطقه با شرایط متفاوت اجرا شود. این رویکرد امکان ارزیابی دقیق چالش‌ها و فرصت‌ها را فراهم می‌آورد.
۴. تدوین شاخص‌های ارزیابی عملکرد: پیشنهاد می‌شود مجموعه‌ای از شاخص‌های کمی و کیفی برای ارزیابی مستمر عملکرد دادگاه‌های صلح تدوین شود. این شاخص‌ها باید ابعاد مختلفی چون سرعت رسیدگی، میزان رضایت طرفین و اثربخشی در کاهش بار دادگاه‌های عمومی را در بر گیرد.
۵. ایجاد مکانیسم‌های نظارتی: به منظور اطمینان از عملکرد صحیح دادگاه‌های صلح و جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی، ضروری است مکانیسم‌های نظارتی مستقل مؤثری طراحی و اجرا شود. این مکانیسم‌ها باید ضمن حفظ استقلال قضاات صلح، امکان بررسی را فراهم آورد.
۶. همکاری با دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی: پیشنهاد می‌شود همکاری نزدیکی میان قوه قضائیه، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در زمینه مطالعه و بهبود عملکرد دادگاه‌های صلح شکل گیرد. این همکاری می‌تواند شامل انجام پژوهش‌های کاربردی، برگزاری دوره‌های آموزشی و ارزیابی مستمر عملکرد این دادگاه‌ها باشد.
۷. ایجاد سازوکارهای تشویقی: پیشنهاد می‌شود سازوکارهای تشویقی برای ترغیب شهروندان به استفاده از دادگاه‌های صلح طراحی شود. این سازوکارها می‌تواند شامل کاهش هزینه‌های دادرسی، تسریع در رسیدگی و ارائه مشوق‌های مالیاتی برای کسب‌وکارهایی باشد که اختلافات خود را از طریق این دادگاه‌ها حل و فصل می‌کنند.

۸. تقویت ارتباط با سایر نهادهای حل اختلاف: ایجاد ارتباط سیستماتیک میان دادگاه‌های صلح و سایر نهادهای حل اختلاف مانند شوراهای حل اختلاف و مراکز داوری می‌تواند به ایجاد یک نظام یکپارچه و کارآمد حل و فصل اختلافات کمک کند.

در پایان باید تأکید کرد که موفقیت دادگاه‌های صلح در کاهش بار سیستم قضایی و بهبود دسترسی به عدالت مستلزم تعهد بلندمدت، برنامه‌ریزی دقیق و همکاری میان تمامی ذی‌نفعان است. با توجه به پتانسیل‌های قابل توجه این نهاد در بهبود کارآمدی نظام عدالت، سرمایه‌گذاری در توسعه و تقویت دادگاه‌های صلح در صورت اجرای صحیح آن، می‌تواند گامی موثر در جهت ارتقای کیفیت خدمات قضایی و افزایش رضایتمندی شهروندان باشد. امید است که یافته‌ها و پیشنهادهای ارائه شده در این پژوهش بتواند راهگشای سیاست‌گذاران و مسئولان قضایی در پیاده‌سازی موفق این نهاد نوین در نظام حقوقی ایران باشد.

منابع

۱. انصاری، مسعود (۱۳۹۹)، کلیات حقوق اداری، چاپ بیست و چهارم، تهران: میزان.
۲. بلوری، علی (۱۴۰۲)، دادگاه صلح بر اساس قانون جدید شوراهای حل اختلاف، لامینگو بلاگ (تاریخ مراجعه ۱۴۰۳/۶/۱۴): <https://lawmingo.com/mag/how-is-the-peace-court-formed-based-on-the-new-dispute-resolution-councils-law>
۳. خالقی، علی (۱۳۹۸)، آیین دادرسی کیفری، چاپ چهل و دوم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۴. شفیعی، حنا (۱۴۰۲)، جزییات قانون جدید شوراهای حل اختلاف، خبرگزاری ایرنا به نشانی اینترنتی (تاریخ آخرین مراجعه ۱۴۰۳/۶/۱۶): www.irna.ir/xjNTdq
۵. شمس، عبدالله (۱۴۰۰)، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ چهل و دوم، تهران: دراک.
۶. فتحی، بدیع (۱۴۰۳)، نقد و تحلیل صلاحیت‌های دادگاه صلح، پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۱۲ (۴۷).
۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۸)، مقدمه علم حقوق، چاپ صد و پنجم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۸. کاویار، حسین، امینی، مهدی (۱۴۰۳)، صلاحیت دادگاه صلح در قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۲۹ (۱۰۶).
۹. مهرپور، حسین (۱۳۹۷)، مباحثی از حقوق اساسی، چاپ پنجم، تهران: اطلاعات.

10. Bone, R.G., (2003). **Civil Procedure: The Economics of Civil Procedure**. New York: Foundation Press.
11. Cadiet, L. (2017). **Introduction à la procédure civile**. Paris: LexisNexis. 5th Edition.
12. Cappelletti, M., & Garth, B. (2019). **Access to Justice: A World Survey**. Milano: Giuffrè. 3rd Edition.
13. Chiarloni, S. (2019). **Riforme processuali e società complesse**. Torino: Giappichelli. 2nd Edition.
14. Dupont, Jean. (2020). **The Role of Peace Courts in the French Legal System**. Paris: Éditions Dalloz.
15. Ferrand, F. (2018). **Procédure civile**. Paris: Dalloz. 3rd Edition.
16. Fukurai, H. (2021). **Citizen Participation in Law, Justice, and Democracy: A Comparative Perspective**. New York: Springer. 2nd Edition.

17. Galanter, M. (1974). "Why the 'Haves' Come Out Ahead: Speculations on the Limits of Legal Change," *Law & Society Review*, 9(1), 95-160.
18. Guinchard, S. (2020). *Procédure civile: Droit interne et européen du procès civil*. Paris: Dalloz. 35th Edition.
19. Haley, J. O. (2018). *Law and Justice in Japanese Legal History*. Leiden: Brill. 1st Edition.
20. Hensler, D.R., (2003). "Our Courts, Ourselves: How the Alternative Dispute Resolution Movement is Reshaping Our Legal System," *Penn State Law Review*, 108(1), 165-186.
21. Jeuland, E. (2019). *Droit processuel général*. Paris: LGDJ. 4th Edition.
22. Judiciary UK. (n.d.). **Magistrates**. Retrieved February 4, 2025, from <https://www.judiciary.uk/about-the-judiciary/who-are-the-judiciary/magistrates/>
23. Kisa, T. (2022). *The Japanese Judicial System: Law, Courts, and Legal Culture*. Tokyo: University of Tokyo Press. 3rd Edition.
24. Lupoi, M. A. (2022). *Sistemi processuali a confronto: Tradizioni giuridiche e trasferimenti di modelli*. Padova: CEDAM. 2nd Edition.
25. Mak, E. (2017). *Judicial Decision-Making in a Globalised World: A Comparative Analysis of the Changing Practices of Western Highest Courts*. Hart Publishing.
26. Matsui, S. (2020). *The Constitution of Japan: A Contextual Analysis*. Oxford: Hart Publishing. 2nd Edition.
27. Ministère de la Justice. (2020). *Les juridictions de première instance*. Récupéré le 4 février 2025, de <https://www.justice.gouv.fr/organisation-de-la-justice-10031/les-juridictions-de-premiere-instance-10033>
28. Müller, Hans. (2019). *Friedensgerichte im deutschen Rechtssystem*. Berlin: Springer-Verlag.
29. Oda, H. (2019). *Japanese Law*. Oxford: Oxford University Press. 4th Edition.
30. Reiling, D. (2020). *Technology for Justice: How Information Technology Can Support Judicial Reform*. Leiden University Press.
31. Staudt, R., & Hannaford, P. L. (2019). *Access to Justice: Meeting the Needs of Self-Represented Litigants*. National Center for State Courts.
32. Steele, S. (2019). *Legal Education in Asia: From Imitation to Innovation*. London: Routledge. 2nd Edition.
33. Tanaka, H. (2021). *The Japanese Legal System: Text, Cases and Materials*. Tokyo: University of Tokyo Press. 3rd Edition.
34. Taruffo, M. (2021). *La giustizia civile in Italia dal '700 a oggi*. Bologna: Il Mulino. 4th Edition.
35. Yamamoto, M. (2020). *Technology and the Japanese Legal System*. Kyoto: Kyoto University Press. 1st Edition.